

### متن پرسش

سلام علیکم: مشتی که اخیرا بر سر عرفان و حکمت کوبیدند و نسبتهای ناروایی که به جناب مولوی دادند علامت پیشروی اخباری گری و ظاهرینی و قشری گری در فهم دین است. جسورانه استفتا کردند و فتوا دادند و بریدند و دوختند و پیاده نظام شان هر چه خواستند به جناب مولانا اهانت کردند، هیچ صدایی هم در برابرشان بلند نشد. نگرانیم آن طور که در اصفهان عصر صفوی جموداندیشان و متحجران نفوذ و تفوق پیدا کردند و با گوشه نشین کردن امثال ملاصدرا و خالی کردن دربار از عرفان و حکمت، جریان تمدن سازی شیعه را سرکوب کردند، این بار نیز خیز شیعیان برای یک حرکت جهانی و تمدن ساز را با همین کوته فکری ها و ندانم کاری ها در نطفه خفه کنند. معمایی دشوار است که چطور پس از یک دوره ی شکوفایی فکری با حضور امثال علامه طباطبایی، امام خمینی، علامه جعفری و شهید مطهری، ایران گرفتار این فضای خشک خراسانی شده است؟ چه باید کرد؟ نقد کنیم، ولو مؤدبانه و با ادبیات کاملا علمی، به ستیز با مرجعیت متهم می شویم. تازه نقد کردن در این فضای مسموم که گرگ های رسانه ای دشمن به کمین نشسته اند تا هر نزاعی -ولو اختلافات علمی- را علم تفرقه کنند و در آتش اختلاف بدمند مفسده ای دوچندان دارد. سکوت کنیم و هیچ نگوئیم، تحجر و تعصب پیش می آید و قوی تر می شوند و در بزنگاهی تعیین کننده، طفل نوپای تمدن جهانی شیعه را به مسلخ خشک اندیشی و تعصب اخباری می برد. چه کنیم؟ کدام کار عاقلانه تر است؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: «چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مستت را / که کس آهوی وحشی را ازین خوش تر نمی گیرد.» ای عزیز! آن چه گفتی حق گفتی و چه اندازه حکیمانه مطلب را تحلیل نمودی، ولی همین اندازه بدان که قضیه برعکس است. تاریخ تحجر گذشته است. در جهان گشوده ی امروزی این تحجر است که روزگارش به پایان رسیده است و لذا دست و پا می زند و تهمت می پراکند و فریاد می زند بلکه گمان کند که هنوز هست. نه! اسلام دیگری در میان آمده که عرفان خمینی «رضوان الله تعالی علیه» پشتوانه ی حیات آن است و گر نه، «نه از تاک نشان می ماند و نه از تاک نشان.» اسلام بدون عرفان، اسلام محمدی «صلوات الله علیه وآله» نیست و عرفان بدون حضور مولوی، عرفان نیست. البته چرا باید به دست خودمان دشمنان اسلام را فربه کنیم و متهم شویم که اسلام و تشیع چیزی جز تحجر و توقف در ظاهر دینداری نیست؟! و کاری کنیم که متهم شویم گویا این

شیعیان بویی از زیبایی‌های عرفان مولوی نبرده‌اند که این‌چنین آن را نفی می‌نمایند؟! موفق باشید